

برگرفته از کتاب ((اتنو لنگویستیک ص ۵۸۷-۵۸۵))

پوهاند دکتور زیار

برگردان - س . سیلنی

پښتو "پښتو"

پښتو ( Pəxtò, tò, Pəštò, şPƏ pəxtò )

(زبان) پښتو در روشنی زبانشناسی مقایسوی- تاریخی آریایی ، زبان شمال شرقی آریایی ثابت شده است و به همان قومی سکه (ساکه، ساکی) ارتباط داشته که به سال ۱۹۰ پیش از میلاد ، از باکتریان (بلخ) به طرف سکیستان (<ساکستان> سیستان) در جنوب غرب افغانستان کوچیده اند ، مادر پښتو پیش از آن با گویشهای (زبانهای) دیگر میانگین ساکی ، چون زبانهای پامیری ، بویژه با مونجی ، بیدغه (بیدغو) و خُتنی (خُوتنی) در مناطق (شمال شرق) تکلم میشده و همچنان با زبان باختري (یفتالی- کوشانی) ارتباط نزدیک داشت . زبان پښتوي باستان ( proto pashto ) با وجودیکه با زبان اوپستایی ارتباط تنگاتنگی داشته ، ولی با زبان ساکی هرچه بیشتر به مشاهده رسیده است .

چنین برمیآید که زبان پښتو بعد از پامیر و بلخ ، روند مراحل (بعدي) کهن و میانگین اش را در سیستان ، هلمند، غور و اراکوزیا (کندهار) طی نموده و سپس مراحل جدید را در کوه سلیمان ( کسی غره ) آغاز و در مناطق دیگر پښتونخوا ، پی یکدیگر به اکمال رسانده است ( نوشته مورگنستیرن، سیمینار بین المللی پښتو ، کابل ۱۹۵۷ م ).

واژه پښتو pašto در واقعیت از یک ریشه کهن \*parsa/u, Parsuaḥ منشأگرفته و پسوند - aw - (نسبتی) با آن افزوده شده است (سکپرو ۳۸۴). البته از نگاه براندنشتاین (۱-۲) مؤلف پارسی باستان \*parsa/u, Parsuaḥ بانام مکان (پرسواش Parsuaš) و در نتیجه با Parsu اثوري و پرسیس Persis یونانی هماهنگی دارد که گویا هخامنشیان پرس Pars و یا پارسه pārsa منحیث نام کشور و پارسی به منزله نام زبان شان به کار برده اند. همچنان سکپرو (همان رفرنس) عین واژه ها را با نام پهلو Pahlaw (نام

پیشین باشندگان خراسان) و زبان (پهلوی) نیز هم‌ریشه دانسته که شکل کهن آن > پرثوه Parθawa بوده است.

### پشتون Pəštun, pəštun, pəḫtun, pəxtun

پشتون با واژه زبان "پشتو" ریشه مشترک دارد و از آنجا که پشتو یک زبان ساکی شمرده شده، پشتون نیز بحیث گوینده همین زبان با دودمان سکه (ساکي) مرتبط دانسته میشود.

چون واژه پشتو را استاد مورگنستیرن \*parsa uah یا parsu/uh ثابت کرده، پشتون نیز با افزایش پسوند -prstānā(h) ān\* و یا هم parsawānā امکان پذیر میداند. درین صورت در هردو اسم (پشتو و پشتون) گروه آوایی -rs- رس-، بعبارہ دیگر، (-rst- رست-) کهن که پارسی و دیگر زبانهای جنوب- غربی آریائی آنرا حفظ نموده، پشتو به (-bnt- بنت-) مبدل ساخته است. -u- در پشتون pashtun از -a- کهن، به عبارۀ دیگر از -un-، -an- یا -ana- نمایندگی مینماید.

ولی پروفیسور مورگنستیرن (EVP) ارتباط ((پشتون)) را با (پکتوپس) هبرودت، بر بنیاد آوا شناسی و ریشه شناسی تاریخی و نیز نژاد شناسی یکسره رد کرده، به گونه ای که لاسن (Lassen)، جکسن (Jackson) و (گریسن) آنرا به نحوی نادرست با پشتون- Paštun امروز، بعبارۀ دیگر، با وارینت گویش شمالشرق یعنی پختون (pəxtun) یکی دانسته و دانشمندان سنتی ما به نوبۀ خویش برآن پا فشاری کرده و با پکتهت ریگویدا نیز مقایسه نموده اند (حبیبی، پخ ۲۰۷؛ کهزاد ۹۰-۹۱).

ولی میتوان نامهای (پشتون و پبنتونخوا) بالترتیب به جای پکتوپس Παχτινες و پکتوپکی Παχτινεke هبرودت، با parsuētai بتلیموس و دیگر نامهای اتنیکی یونانمانند (pársioi, pārsava, pārsa) هرچه درستتر تطبیق شوند.

به هر رو، در اینجا ما با واژه و مفهوم دوم پشتو "← پبنتونولی" کاری نداشته، توجه علاقمندان را در مورد به صفحات [۲۱۵-۲۲۲] کتاب معطوف میداریم.

اگر به جای پرس Pars و یا پارسه pārsa یادشده دومین احتمال را در زمینه در نظر گیریم، آن این خواهد بود که هردو واژه (پشتو-پشتون) با "paršta- (پشت) اوپستایی ارتباط دهیم که معادلش در سانسکریت "Prstha- \* (پشت، بلند و برتر) میباشد، بنابراین شکل کهن پشتون \*(h)prstānā- مفهوم (کوهستانی، بلند یا اشکار و برجسته پینتون) را میرساند.

در کنار پتهان دواصطلاح قدیم هندی، روهی و روهیله نیز معنا و مفهوم (پشتون) را (کوهستانی) ارائه کرده اند که در عین حال با پینت (پشت، نسل) پینتو هم یکرنگی و شباهت را نشان میدهد. (۵۴۹). پتهان pathan اصلاً از شکل (جمع) پشتون یعنی پپنتانه peštāna، بعبارة دیگر، پپنتانه paštāna بوجود آمده است که در پراکرت (هندي میانگین) شمال غرب و تا هنوز هم در زبانهای کنون یا نوین هندی "پینتون" را پتهان (pathan) میگویند. (مورگنستیرن EVP ۶۱، سکپرو ۳۸۴، مکنزی ۵۴۹).

در کنار دیگر نامهای "پینتون" مانندافغان یا اوغان، روهی، روهیل، (سلیمانی) هم چون پتهان، از سوی دیگران، به بیان دیگر (عربها) گذاشته شده است.

پینتون "پشتون" با پینتو "پشتو" علاوه بر هم ریشه بودن، ارتباط زبانی- نژادی و زبانی- جامعه یی را نیز دارا میباشد، چنانچه میگویند:

پینتون کسیست که پینتو دارد، نه آنکه تنها پشتو صحبت میکند. برای روشنی بیشتر به بخشهای ۶، ۷- و ۸- کتاب و همچنان قاموس ریشه شناسی -۲۳۸ ۲۴۳ دکتور پوهاند زیار مراجعه شود

\* تفاوت های زبانی - زبانهای مروج قومی را در انگلیسی اتنو لنگویستیک می گویند